

# مشكلات نسل جوان

بررسی علل شکاف و اختلاف

مهران نسل جوان و نسل کنونی

در شماره قبل يك فصل از كتاب  
دخانواده و تربيت در ايران ، نوشته  
خانم دكتور آصفه آصفی را كه از طرف  
انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران  
منتشر شده است در اینجا درج كردیم و  
اینك فصل جالب دیگری از این كتاب  
را درباره روابط نسل جوان با خانواده  
نقل میکنیم :

وسایل اشاعه آن : امروز در همه کشورها بخشش  
بزرگی از نسل جوان از تحصیلات خوبی برخوردار  
می شود و این به او امکان می دهد تا با فکری باز و  
ذهنی آماده از وسایل کسب معلومات بهره جویی کند  
و معلومات خود را در مورد هر موضوعی که مایل  
است غنیتر سازد .

علاوه براینکه، امروزه مطالب و محتویات  
کتابهای درسی کاملاً با گذشته فرق کرده، سهولت  
دسترسی به کتابخانه، فیلم، رادیو و آزمایشگاه به  
جوان امکانات زیادی عرضه می دارد. بدین ترتیب،  
ذهن گسترش یافته و روح کنجکاو او دیگر نه به  
معارف عرضه شده به وسیله معلم و والدین قانع  
است و نه به ارزش آن مؤمن، چرا که والدین و معلمان  
نمی توانند با زمان پیش بروند و معلومات خود را  
همواره تازه و امروزی سازند. آنان یا تحصیلات کافی  
ندارند، یا از کوشش و انگیزه کافی برخوردار نیستند  
و یا در شرایط جامعه مصرف درگیر گرفتاریهای روزمره  
زندگیند. بدین ترتیب، جوانی که همه او را به

حال به موضوع دیگری می رسیم و آن روابط  
نسل جوان و نسل کنونی است. این روابط روز بروز  
پیچیده تر و تیره تر می شود. هرچه جامعه وسیعتر  
و سطح سواد و پیشرفت بالاتر باشد، این شکاف و  
اختلاف بیشتر به چشم می خورد و ما شدیدترین  
مظاهر آن را از توکیو تا قاهره و از پاریس تا برکلی  
در همه جا می بینیم. حال بینیم علل و انگیزه های  
این اختلاف چیست ؟

۱ - سرعت روزافزون توسعه معرفت بشری و



پیچیده تر شده و بخشی از کار آموزش به عهده تلویزیونها و شمارگرها گذاشته شده است. این یکی برای نسل جوان ملال انگیزتر است و از نظر روابط عاطفی و ایجاد تفاهم مصیبت بارتر.

۳ - ضربه های جامعه مصرف : افزایش تقاضا در خانواده ها سبب شده است تا پدر و مادر بیشتر اوقات خود را در بیرون از خانه بگذرانند و خانه به یک خوابگاه تبدیل شود. افراد خانواده کمتر یکدیگر را می بینند و کمتر از آن فرصت گفتگو پیدا می کنند. در نتیجه، روابط عاطفی استواری میان والدین و فرزندان ایجاد نمی شود، چون آنان فرصت درک یکدیگر را پیدا نمی کنند. همین عدم همبستگی و تفاهم سبب می شود تا فرزند در اولین فرصت خانواده را ترک گوید و در جستجوی استقلال برآید. این رهایی

تحصیل و کسب معلومات دعوت می کنند، به چشم می بیند که ناصحانش کمتر در اندیشه آند. اومی بیند که تحصیل و کسب علم صرفاً وسیله یی برای اسرار معاش تلقی می شود و کمتر کس از ناصحان علم و معرفت را به خاطر نفس آن و ارضای حسن کنجکاوی و زدودن زنگار جهل خویش می جوید. جوان می بیند، و از طریق وسایل ارتباط جمعی در می یابد که مسایل و موضوعات تازه یی در برابر علم قرار دارد، مسایلی که کتابهای درسی او در آن باره چیزی نمی گوید، استادانش چیزی نمی دانند و بسا که با انکار و تردید بدان می نگرند. کوتاه سخن آنکه جوان می بیند که جامعه کلانسال از زمان خویش عقب مانده است.

۲ - بحران تعلیم و تربیت : این مسئله نیز به نوعی با مسئله سابق الذکر مربوط است. تقاضا برای آموزش و پرورش روز بروز بیشتر می شود، دوره تحصیل طولانیتر و موضوعات آموختنی متنوعتر. اما جوامع نمی توانند به قدر کافی معلم فراهم کنند، معلمین نمی توانند جز در رشته معینی و برای مدت کوتاهی (۲۰ تا ۲۵ سال) تدریس کنند و قادر نیستند روز بروز معلومات خود را تازه و اسروزی سازند. بدین ترتیب، کمتر میان شاگرد و معلم آشنایی واقعی و رابطه استوار معلم و شاگردی به وجود می آید. معلم ناگزیر است مطالب معینی را در ساعات معینی به عده معینی تدریس کند و آخر سال هر که را که آموخته بود نمره قبولی دهد و هر که را که نیاموخته بود مردود شمارد.

او به، علایق شاگردش آشنا می شود، نسه استعداد های او را در می یابد و نه ریشه گرفتاریهایش را می شناسد. بدین ترتیب شاگرد و معلم نمی توانند یکدیگر را بشناسند و نمی توانند یکدیگر را دوست بدارند. برای شاگرد، معلم عضویت از جامعه - کلانسال که فرقی با اعضای دیگر ندارد، او نیز خود رأی و سختگیر و ناصح است، او نیز در بند سسود جویهای خویش است، او نیز در بند نگاهیانی از بند های موجود است. در برخی جوامع، کار از این هم



و استقلال به ظاهر دلخواه، او را تنها تر، بی همزمانی و عصبانیت می کند. او نه تنها پیوندش را از خانواده خویش می برد، بلکه نسبت به محیط خانوادگی نیز احساس بغض و کینه دارد.

اختلاف طبقاتی شدید و محرومیت اقتصادی و فرهنگی برخی طبقات نیز از عواملیست که همیشه موجب خشم جوانان می شود و آنان را به اعتراض وای می دارد. او مایل است منابع اقتصاد ملی تماماً در راه بهروزی محرومان اجتماع به کار برده شود.

یکی از عوامل ناراحتی نسل جوان تبلیغات بازرگانی و کوششهای توطئه مانند نیست که برای به فروش رساندن کالا به کار می رود. اینکه صاحبان کالا می کوشند دهها نوع صابون، زیرپوش یا دوچرخه را به عنوان «بهترین» به او قالب کنند، خشم و نفرتش را برمی انگیزد و سبب می شود تا او مجموعه کوششهای جامعه را نوعی کوشش برای تحمیل نسل جوان بداند.

ع - نگرانی از آینده: در کشورهای بسیار پیشرفته ترس و نگرانی شدیدی وجود دارد. نسل جوان از این می ترسد که بشریت در یک جنگ هسته‌یی طعمه نابودی و مرگ شود و همه کوششهای صدها نسل برای ایجاد تمدن کنونی تبدیل به خاکستر گردد. ترس و نگرانی دیگرش از آلودگی بیش از پیش محیط است. دود کارخانه‌ها نفس را در سینه تنگ می کند، فضولات کارخانه‌ها رودها و دریاها را انباشته می سازد، انفجارهای هسته‌یی خاکستر رادیواکتیو را به هر جا می پراکند، شهرها از میان جنگلها سر برمی کشد و جاده‌ها و فرودگاهها، دشتهای سرسبز را درمی نوردد. طبیعت درون قفسهای باغ وحش و پشت میله‌های پارکها محبوس می شود و بصورت شکلک در می آید. ترس دیگر او از انفجار جمعیت است، از غولهایی که در چین، هند و امریکای جنوبی به صورت هراس آوری بزرگ و بزرگتر می شود، نه روشهای جدید تولید مواد غذایی و نه کوششهای

کنونی برای تعمیم آموزش و پرورش هیچکدام پاسخگوی اشتباهات سیری ناپذیر این غولها نبوده است.

• - در جستجوی خلاقیت: در بسیاری از کشورهای در حال رشد یا تازه استقلال یافته نسل جوان خواهان شرکت فعال در ساختمان میهن خویش



است. او از اینکه می بیند همه کارها در دست جامعه کلان سال است، در دست کسانیست که به نظر او محافظه کار و کهنه فکرنند، دچار خشم می شود. او نیروی جسمانی و اوقات فراغت زیادی دارد که مایل است آن را صرف بهروزی دیگران سازد و در این راه کارگزاران امور را مانع خویش می بیند. برای مقابله با همین مشکل است که برخی کشورها به ایجاد مؤسسات مختلف برای جوانان پرداخته اند و مسئولیتهای مختلفی را به این سازمانها محول کرده اند. بسیج جوانان برای مبارزه با بیسوادی، ترویج بهداشت و کشاورزی، پارک سازی و حفاظت محیط زیست، ساختمان تأسیسات عمومی و کارهایی از این قبیل در برخی کشورها نتایج نیکویی داشته است.

۶ - گذران اوقات فراغت : امروزه برادرگرونی سیمای جوامع نسل جوان اوقات فراغت زیادی دارد و برای گذراندن آن به وسایل و سازمانهایی نیازمند است، این وسایل و سازمانها در بسیاری از کشورها بسیار کم است، مخصوصاً نوع سالم و سازنده آن. شماره کتابخانه ها، موزه ها، ورزشگاهها و باغهای نباتات بسیار اندک است. اغلب سینماها و باشگاهها وسیله بیست برای تجارت و سودجویی، جوانان برای استفاده از کتابخانه و موزه تربیت و آمادگی پیدا نمی کنند و ایجاد رابطه سالم و دوستانه میان دختران و پسران بسیار دشوار و در اغلب نقاط غیر ممکن است. این امرگاهی باعث رواج بزهکاری و اعتیاد در میان نسل جوان می شود.

این مشکلات که برشمردیم کمابیش در همه کشورها وجود دارد و میهن ما نیز به عنوان بخشی از جهان از آنها برکنار نیست. برای بررسی ایسن مشکلات و پیش بینی راههایی برای بهبود مناسبات و نسلها و موفقیت بیشتر اولیاء و مربیان در تربیت نسل جوان از شش سال پیش انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران کوششهایی را آغاز کرده است، این انجمن سعی می کند تا تمایلات، انتظارات و مشکلات

اولیاء، مربیان و فرزندان را از طریق بحث و گفتگوها و تحقیقها دریابد، آنها را با جامعه و اولیای امور مطرح کند، و برای برطرف کردن مشکلات راههایی بیابد. همچنین، انجمن سعی می کند تا وسیله آموزش اولیا و مربیان مخصوصاً پدران و مادران را فراهم آورد و از طریق مطبوعات، فیلم، گفتار رادیویی، سخنرانی و تشکیل کلاسها آنان را یاری کند.